دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت

محیط طباطبائی، محمد

بیگانه‏ای بر میخورد و پیش‏بینی حدود و تأمین آن به شکلی که با مصالح ملی و بهبود وضع‏ داخلی و تأمین منافع خارجی هم سازگار باشد میسر نبود،این قید تا سال اول سلطنت‏ شاه فقید بر دست و پای ملت ایران باقی بود.

بحث در جزئیات مطالب مربوط به قضاوت در دوره اجرای کاپیتولاسیون و هرج و مرج قضائی ناشی از آن مجال وسیعی میخواهد و همین قدر با ذکر موردی که نزدیک‏ بود مقدمات سلب حقوق و پروانه دخالت نمایندگان خارجی را در روابط میان زارع و مالک فراهم میآورد و یک گردش قلم حاجی میرزا آقاسی توانست از آن جلوگیری کند، این موضوع را خاتمه میدهیم:

حاجی میرزا آقاسی و شناسائی حق زارع در مزرعه

یکی از ارامنه ایران که اتباع روس و انگلیس هر دو در ردیف وراث او وارد بودند مرد در دنباله این اتفاق از نظر میراث مشکلاتی بوجود آمد که سفیر روس‏ برای حل آنها یک رشته مقرراتی را به دولت ایران پیشنهاد کرد تا بصورت فرمان‏ صادر کنند.

این مقررات که با تقاضای روس و موافقت انگلیس به امضای حاجی میرزا آقاسی رسید در رساله تسویه اختلاف‏های متصور بسود اتباع بیگانه پیش‏بینی‏هائی کرده‏ بود ولی حاجی میرزا آقاسی در حاشیه فرمان رسمی بر آن مقررات چند سطری بخط خود اضافه کرد و در نتیجه توانست مانعی در راه زدوبندهای خارجی جهت احراز حق حمایت‏ از زمین و کشاورز ایران بوجود آورد و آن حاشیه حاجی بدین مضمون بوده است:

«در باب فقره پنجم که مال غیر منقول ذکر شد مجددا ایراد میشود.که در ایران سه کس بر قری حق دارند:

اول دیوان همایون اعلی.

دوم مالک.

سوم رعیت.

چنانکه مالک بخواهد قریه خود را بیع شرط بگذارد بجهت رفع گفتگو باید پیش از وقت از دیوان اعلی و رعیت اذن حاصل نماید»

حاجی میرزا آقاسی در این مضیقه سیاسی،برای نجات دولت از تصرفات حاجی‏ حق ثابت آب گل را برای کشاورز از نظر اعتبار حقوقی برابر با مرتبه حق مالکیت و حق مطالبهء مالیات دولتی شناخت و ازاین‏رو دیگر امکان نمییافت که سرمایه‏داران‏ خارجی با انتقال قریه‏ای از راه بیع شرط،موجبات انتقال حقوق مالکیت داخلی را به‏ عناصر خارجی فراهم آورند.

عدالت و قضا در دورهء حکومت قاجاریه

پیش از ورود در این دوره برای اینکه دورنمایی از وضع موجود در آغاز سلطنت قاجاریه زیر نظر قرار گیرد بطور مجمل و سریع نظری به دورهء ماقبل آن‏ می‏افکنیم.

چنانکه قبلا اشاره رفت روش قضاوت،پس از زوال حکومت صفویه باز از نظر مبانی و صورت ظاهر بر همان منوال سابق مبتنی بود و مبنای صدور احکام و اجرای حدود همانا فقه آل محمد یا مذهب جعفری بود که در طول مدت دویست سال عملکرد از روی‏ فتاوی علما و فقهای شیعه،با رعایت اصل اجتهاد در استخراج و استنباط احکام،به‏ مرحله کمال خود رسیده بود.

(ناتمام)